

کیمیا علیزاده:

## هیچوقت تکواندو را دوست نداشتم / آرزویم فضانوردی بود

کیمیا علیزاده با حضور در برنامه «اقیانوس آرام» گفت: هیچوقت به ورزش تکواندو علاقه نداشتم اما وقتی در مسیر این ورزش قرار گرفتم تمام تلاشم را برای اول شدن به کار بستم.

به گزارش گروه فرهنگی ایسکانیوز، کیمیا علیزاده قهرمان تکواندو شب گذشته با حضور در برنامه اقیانوس آرام درباره زندگی حرفه‌ای و شخصی خود در حضور نوجوان‌های این برنامه صحبت کرد. وی در ابتدای صحبت‌هایش با اشاره به اینکه حدود ۱۲ سال است که تکواندو کار می‌کند، گفت: در این مدت ۶ مدال گرفتم که هیچ زنی در ایران و در این رشته ورزشی تا به حال نتوانسته این تعداد مدال را دریافت کند.

وی ادامه داد: به نظر من اول شدن و مدال گرفتن راحت‌ترین موضوع در جهان است. وقتی تکواندو را شروع کردم ۸ سالم بود، همیشه دوست داشتم فضانورد بشم و نظریه بدهم اما یک روز با تصمیمی که مادرم گرفت همه چیز عوض شد. ۸ سالم بود که مادرم مرا در باشگاهی که در نزدیکی‌های خانه‌مان بود ثبت نام کرد و اتفاقاً آن باشگاه فقط ورزش تکواندو داشت و من مجبور شدم تکواندو یاد بگیرم. همیشه از رفتن به باشگاه فرار می‌کردم و دوست نداشتم که تکواندو کار کنم.

این تکواندو کار در ادامه بیان داشت: شش ماه از حضورم در باشگاه و یادگیری تکواندو گذشت که به مسابقه‌های کشوری دعوت شدم و در اولین مسابقه مدال برنز گرفتم. مربی‌ام به مادرم گفته بود که کیمیا را به مسابقه‌ها بیاورید چرا که استعداد خوبی در این زمینه دارد. همین شد تا در ۱۳ سالگی برای تیم انتخابی تیم ملی برگزیده شدم و در مسابقه‌ها شرکت کردم. آن زمان با حضور در اردوها اولین بار بود که از خانواده جدا شدم و حدود سه چهار ماه دور از خانواده بودم که تجربه سختی بود.

وی با اشاره به اینکه آن زمان در ایران و در همه مسابقات داخل کشور همه حریف‌هایم را می‌بردم بیان داشت: مسابقه سال ۲۰۱۳ در کشور اندونزی برگزار می‌شد که همه به من و کسب مدال امید داشتند اما در عین ناباوری در بازی اول باختم. از سفر که برگشتم با کلی درس نخوانده مواجه شدم و برایم خیلی سخت بود که نمره‌هایم کم‌تر از سایر همکلاسی‌هایم باشد و همین شد تا زمان زیادی برای خواندن درس‌هایم گذاشتم. بعد از امتحان‌ها دوباره در مسابقه‌های دیگر شرکت کردم و همان زمان شنیدم که گفتند این سری اول می‌شوی اما بازی اول را باختم و مربی‌ها گفتند حتماً اتفاقی بوده است.

علیزاده در ادامه افزود: مسابقه المپیک نوجوانان فرا رسید و تنها فردی که هم در مسابقه کسب سهمیه و هم در مسابقات جهانی به عنوان زن تکواندوکار حضور داشت من بودم که باز هم در اولین مسابقه باختم. مربی‌ها گفتند من بازیکن خارج از ایران نیستم و فقط داخل ایران می‌توانم حریف‌ها را مغلوب کنم. چهار روز بعد از این باخت یک مسابقه جهانی داشتم و همان زمان نشستم و با خودم فکر کردم که من از همه علایقم درس و همه چیز برای رسیدن به این مسابقه‌ها گذاشتم، از معدل ۲۰ گذشتم تا اینجا باشم و خیلی برایم سخت بود که در آن شرایط به من بگویند تو نمی‌توانی.

وی ادامه داد: از بچگی عادت داشتم هر زمان هر فردی مرا ناامید می‌کرد و می‌گفت تو نمی‌توانی انگیزه‌ام را دو چندان می‌کرد تا به هدفم

برسم. بعد از اینکه در مسابقه‌های جهانی برای اولین بار مدال طلای المپیک را کسب کردم گفتند مدال تاریخی کیمیا و همین انرژی مضاعفی برای ادامه مسیر به من داد. بعد در مسابقه کسب سهمیه دیگری نیز شرکت کردم و اول شدم.

کیمیا عزیزاده گفت: المپیک نوجوانان فرا رسید که برای بار دوم مدال طلای المپیک را کسب کردم و در مصاحبه‌ای پرسیدند مسابقه چطور بود؟ گفتم بسیار راحت بود و در مسابقه‌های بزرگسال نیز مدال کسب می‌کنم.

وی در ادامه افزود: از همان ابتدا رسیدن به هدفی که داشتم برایم خیلی مهم بود. آن زمان ۱۶ سالم بود که به اردوی بزرگسالان رفتم و با هم اتاقی‌هایم حدود ۱۵ سال اختلاف سن داشتم. فکر کنید من دوست داشتم عروسکم را بغلم کنم و آنها به این رفتار من می‌خندیدند و در آن روزها فقط تمرین می‌رفتم و بعد از آن که به هتل می‌آمدم می‌خوابیدم.

عیززاده با اشاره به اینکه به مسابقه‌های آسیایی دعوت شدم نیز بیان داشت: یادم هست در مصاحبه‌هایی که قبل از مسابقه کرده بودم گفته بودم که مدال می‌گیرم. مسابقه آغاز شد و دقیقاً روز مسابقه به من گفتند که سن شما کمتر از سن افرادی است که می‌توانند مسابقه بدهند و همین امروز چنین قانونی گذاشتند که تکواندوکاران باید بالای ۱۷ سال سن داشته باشند تا بتوانند در مسابقات شرکت کنند. من هم ناراحت شدم و با این همه تمرینی که کرده بودم حتماً صلاحی در کار بوده است که نمی‌توانم بازی کنم.

وی در ادامه افزود: آن زمان در بازی‌های آسیایی دختران نتوانسته بودند مدال طلا بگیرند و در مسابقه‌های قهرمان هانی حتی برنز هم نگرفته بودند، اما من دوست داشتم این اتفاق برای کشورم رقم بخورد. آن زمان ۶۰ کیلو وزن داشتم و گفتند باید سه کیلو کم کنی و با اینکه برایم سخت بود اما وزنم را کم کردم.

قهرمان تکواندو ادامه داد: آن زمان نمی‌دانستم که هیچکس به من امیدی ندره و یاد زمانی افتادم که گفتند کیمیا بازیکن ملی نیست و به خودم گفتم باید نشان بدهم که می‌توانم. به مسابقه رفتم و قهرمان جهان را شکست دادم و برنز گرفتم. کسب سومین مدال تاریخ‌ساز ایران را برای خود کردم و از این بابت خوشحال بودم. در ادامه مسابقه‌هایی برگزار می‌شد که در حد مسابقه‌های المپیک بود. در آنجا وزن کم کرده بودم و دوست داشتم هر خوراکی که می‌دیدم را بخورم اما در آن شرایط گفتند که باید باز هم ۵ کیلو کم کنی.

وی در ادامه گفت: حریف‌هایم در بازی‌هایی که پیش رو داشتم به این ترتیب بود. بازی اول مقابل قهرمان آسیایی، بازی دوم با قهرمان برنز جهان، بازی سوم با قهرمان جهان، بازی چهارم با قهرمان برنز المپیک و بازی پنجم با قهرمان المپیک بود که من باید همه آنها را شکست می‌دادم. یک بازی آسان هم نداشتم چون حریف‌هایم قدر بودند.

عیززاده افزود: در آن مسابقه کلا سه نفر از ایران رفته بودیم و روزهای قبل از من دو بازیکن دیگر به حریف‌هایشان باخته بودند و آنجا گفتند که این سری هم دخترها مدال نگرفتند و باز هم من رو ناامید کردند. در چنین شرایطی که همیشه با ناامید شدن انگیزه دو چندان می‌گرفتم بازی اول را بردم، دوم سوم چهارم را هم بردم و رفتم به فینال و بازی با قهرمان المپیک. یادم است آن روز، روز دختر بود و سه راند دو دقیقه‌ای مسابقه داشتم و من ۵ دقیقه و ۴۰ ثانیه عقب بودم و ۵ ثانیه آخر با مشت‌هایی که به صورت حریف زدم مساوی شدیم و در نهایت بازی را بردم و چهارمین مدال تاریخ ساز کشور را کسب کردم. بعد از بازی با منزل و مادرم تماس گرفتم که مادر به من گفت اشکال نداره بازی را باختی ان شالله در بازی‌های بعدی جبران می‌کنی و همانجا متوجه شدم که مادرم بازی را کامل ندیده و متوجه نشده که من بازی را بردم و هر چقدر هم گفتم بازی را بردم باورش نشد.

یکی از مخاطبان برنامه اقیانوس آرام در ادامه این برنامه با اشاره به اینکه کم کردن وزن کار بسیار سختی است گفت: کاری که شما کردید خیلی سخت بوده من همه بازی های شما را دنبال می کنم همیشه فکر می کردم که به شما امید می دادند و نمی دانستم که خودتان به خودتان می دانید. همیشه نوجوان ها به امید و انگیزه نیاز دارند.

کیمیا علیزاده در ادامه با اشاره به بازی های المپیک ۲۰۱۲ نیز گفت: در المپیک ۲۰۱۲ کمربند آبی داشتم و دوست داشتم تا در المپیک ۲۰۲۰ هم حضور داشته باشم و به نظرم جای دست نیافتنی بود و دوست داشتم تا آن را هم تجربه کنم. مسابقات کسب سهمیه فرا رسید و همین که خواستم در این مسابقه ها شرکت کنم گفتند باید ۱۰ کیلو وزن کم کنی و در نهایت با کاهش وزن به المپیک رسیدم. اردو المپیک آن سال بدترین اردوی عمرم بود چون وزنم خیلی کم شده بود و اصلا حوصله حتی صحبت کردن با کسی را هم نداشتم. تمرین های سنگین می کردم و مدام غذاهای آب پز می خوردم.

وی ادامه داد: ۲۰ روز مانده به مسابقات المپیک از ناحیه مچ پا آسیب دیدم و فیزیوتراپی کردم و تمرین فنی نکردم و بعد از آن به اردوی کیش رفتم و توانستم روی پایم راه برم. ۳۰ ثانیه آخر تمرین بود که خدا رو شکر کردم از اینکه می توانم روی پایم بایستم اما لحظه آخر ربات های کف پایم پاره شد و دیگر نمی توانستم هیچ کاری انجام بدم. حتی به زور راه می رفتم تا همه متوجه آسیب دیدگی من نشوند و اجازه بدن که در مسابقه حضور داشته باشم. اما در نهایت دیدم که پایم کبود شده و نمی توانم نگویم و به مربییم گفتم و در مسابقه ها شرکت نکردم.

این قهرمان تکواندو گفت: در سال ۲۰۱۶ بود که فیزیوتراپمان بعد از معاینه من تعهد داد که همه چی با من و کیمیا می تونه در مسابقات شرکت کند که این تعهد او مسیر زندگی من را عوض کرد. اولین تمرین را در دهکده تمرین انجام دادم. روز وزن کشی وزنم بالاتر بود و باید وزنم را کم می کردم. مسابقه اول را بردم، مسابقه دوم که با حریف اسپانیایی بود در راند آخر عقب بودم و با نا داوری باختم و مشتی که به صورت حریف زدم را ثبت نکردند، آنجا بود که گفتم دیگر نمی خواهم بازی کنم.

علیزاده در ادامه این برنامه با اشاره به اینکه در مسابقه ها به ساعت ایران همه کارهایم را حساب می کردم، افزود: در چنین شرایطی نشستم و با خودم گفتم کیمیا روز گذشته هر اتفاقی افتاده افتاده تو به هیچی فکر نکن و به مسابقه فردا فکر کن که باید بازی کنی و از تکواندو بازی کردن لذت ببری و این برات مهم باشد که خیلی ها چشم امیدشان تویی و مدال برایت مهم نباشد. همین شد که اولین بازی را بردم، بازی دوم هم بردم و دیدم همه مردم در سالن ایران ایران برایم می خوانند.

این قهرمان تکواندو گفت: آن روز کل سالن اسم منو صدا می کردن و بعد از مسابقه وقتی گزارشگری پرسید که می دانستی برنز می گیری گفتم نمی دانستم و انتظار مدال طلا داشتم و هیچ وقت برای رفتن مدال برنز خوشحالی نکردم. آن زمان ناراحت بودم چون به همه حریف هام چیره شده بودم. بعد از مسابقه به ایران آمدم و دیدم استقبال بسیار خوبی از من شد. آن روز پنجمین مدال تاریخ ساز تکواندو رو گرفته بودم. بعد از این که به ایران آمدم دکتر گفت نمی توانی که بازی کنی و بعد مچ پایم را جراحی کردم و شش ماه بعد مسابقه های جهانی بود و دکتر گفت نامه نمی دهم بازی کنی و با اصرار خودم از او نامه گرفتم تا بتوانم در مسابقه ها شرکت کنم.

وی گفت: در همان مسابقه مچ پای دیگرم هم پاره شد و با این حال در آن مسابقه مدال نقره گرفتم و این مدال ششمین مدال تاریخ ساز تکواندو شد. به تهران آمدم و مچ پایم را جراحی کردم اما در مسابقات قهرمانی آسیا دوباره مچ پایم پاره شد و تمرین کردم و در مسابقات برنز گرفتم.

علیزاده در ادامه گفت: بازی‌های آسیایی را در پیش داشتیم که هر چهار سال یکبار برگزار می‌شد و من هم به امید گرفتن هفتمین مدال در این مسابقات شرکت کردم. یک هفته مانده به مسابقه رباط صلیبی زانویم پاره شد که همه جا خبرش منعکس شد. هر ورزشکاری که جراحی می‌کنه دوباره باید از صفر شروع کنه و من هم برای دومین بار از صفر شروع کردم و همه جا گفتند که دیگه کیمیا نمی‌تونه بازی کنه. همان جا حس کردم زندگی برایم معنی ندارد و چقدر الکی است. همه فکر کردند تمارض می‌کنم اما این طور نبود. ولی دقیقا همان زمان این که از همه چیز نا امید شده بودم و بدترین زمان زندگی بود با همسرم ازدواج کردم و همین باعث شد که روحیه خوبی داشته باشم و بهترین اتفاق زندگیم افتاده بود.

وی گفت: برای پنجمین بار منج پایم را جراحی کردم. دیگر یک نفر نبودم و دو نفر خیلی قوی بودیم. جراحی کردم و به هیچ کس نگفتم و اینجا اولین جایی است که می‌گویم آن زمان عمل کردم. چون موج خیرسازی بدی به وجود می‌آمد و همه من را آزار می‌دادند. می‌دانستم که اگر بفهمند پشت سرم حرف در می‌آورند و اوضاع بدتر می‌شود. مردم ما همیشه قهرمان‌هایی که مدال می‌گیرند را دوست دارند و نمی‌خواستیم خاطره بدی برایشان بماند. از طرفی همیشه می‌گویند هر کسی ازدواج کند کارش را کنار می‌گذارد و بخش حرفه‌ای برایش دیگر معنی ندارد. اما من می‌گویم همه چی بستگی به شریک زندگی آدم دارد و همسر من یک والیبال‌بست و آسیب دیده بود و نتوانست به مسابقه‌ها برگردد برای همین من را به خوبی درک می‌کرد.

این تکواندو کار ملی افزود: از همان ابتدا هم می‌دانستم زندگی بالا و پایین دارد و من هیچ وقت در اوج نیستم. برای اینکه در اوج بمانم باید یک جاهایی از خودم بگذرم تا به هدفم برسم. هیچ وقت در زندگی‌ام آرزویی نداشتم و همیشه هدف‌های زیادی داشتم، فضاوردی آرزویم بود اما قهرمان المپیک هدفم بود. آرزو خیلی دور از آدم‌هاست اما هدف نه. الان یک سال و ۴ ماه دیگر المپیک است و بعد از جراحی‌های که کردم از صفر شروع کردم و در این مدت خیلی با ذهنم تمرین کردم و همیشه قبل از مسابقه در ذهنم مسابقه‌ها را می‌بینم و بازی می‌کنم.

وی ادامه داد: ذهنم در این مدت کمک بسیاری به من کرد و همین الان هم در ذهنم فقط طلای المپیک و می‌بینم. این را می‌دانم که یک جاهایی تصمیم‌های اشتباه ممکن رفته باشم اما آن لحظه قطعا بهترین تصمیم را گرفتم. همیشه بهترین تصمیم هم درست‌ترین تصمیم نیست. اولش گفتم خیلی آسان اصلا نمی‌خواستم تکواندو کار باشم اما مسیر سختی را رفتم. خیلی جاها گفتند نمی‌توانی اما هیچ وقت ناامید نشدم.

علیزاده گفت: زمانی که روی سکوی المپیک بودم نگفتم بهترینم یا بدترینم و همیشه بعد از اینکه از سکو پایین آمدم به خود غره نشدم و دوباره بدون برگشت به گذشته کارم را ادامه دادم. همیشه کوچکترین فرد در جمع‌ها بودم و همه به خاطر سن کمی که داشتم می‌گفتند از تو بعدا در مسابقه‌ها استفاده می‌کنیم که این ماجرا خیلی من را اذیت می‌کرد. اعتماد به نفسی که از من آن زمان گرفته می‌شد، خیلی بد بود و امیدوارم که در برخورد با نوجوان و جوان‌ها اعتماد به نفس آنها را از آنها نگیریم.

در ادامه این برنامه یکی از حاضرین در استودیوی اقیانوس آرام درباره این که تا به حال به کتک زدن کسی فکر کرده‌ای؟ سوالی پرسید و علیزاده در جواب گفت: نه کسی نبود کهپخواهم به کتک زدنش فکر کنم مگر اینکه شوخی و بازی بوده باشد.

دیگر حاضر در این برنامه نیز پرسید: هیچ وقت دچار غرور نشدی؟ علیزاده نیز در پاسخ گفت: من همیشه روی سکو به خودم قهرمان می‌گفتم و وقتی پا روی زمین می‌گذاشتم دیگر قهرمان نبودم.

یکی دیگر از نوجوان‌های حاضر در برنامه نیز گفت: مثل هر کسی که زمین می‌خورد تو هم زمین خوردی و خاکی شدی، هشتک لج باز! عزیزاده در پاسخ گفت: بله ما هم آدم هستیم و ممکن است در زندگی با فراز و فرودهای زیادی مواجه باشیم اما مهم این است که چطور بلند شویم.

مخاطب دیگری درباره این پرسید که شما گفتید به تکواندو علاقه نداشتید، فکر می‌کنید اگر سراغ علاقه‌تان می‌رفتید موفق‌تر بودید؟ عزیزاده گفت: ۷ سالم بود و نمی‌دانستم آن زمان علاقه چیست و وقتی که در مسیر قرار گرفتم ناچار شدم که ادامه بدهم چون دیگر شغلم شده بود و نمی‌توانستم رهاش کنم. الان هم به تکواندو علاقه‌ای ندارم اما فهمیدم که در این مسیر به هدفم می‌توانم برسم.

عیزاده در پایان این برنامه با تشکر از عوامل و سازندگان اقیانوس آرام گفت: اقیانوس آرام یک برنامه واقعاً جدید بود که واقعاً نیاز جوان‌هاست. همه ما اگر زندگی آدم‌های دوروبرمان را بدانیم می‌توانیم از زندگی آنها الگو بگیریم و با توجه به آن بهترین تصمیم‌ها را در زندگی بگیریم و این برنامه به بچه‌ها کمک می‌کند تا بتوانند با شنیدن قصه زندگی تعدادی از آدم‌ها تصمیم‌های مهم زندگی‌شان را به خوبی بگیرند. در این روزها که به نوجوان‌ها کم‌لطفی‌های زیادی می‌شود و توجهی به ساخت برنامه برای آنها نیست خیلی خوب است که چنین برنامه‌ای با این محتوا از شبکه دو سیما پخش می‌شود.

انتهای پیام/